

The effect of political intelligence on the relationship between economic and social intelligence and political participation

(Case study of the citizens of Kerman in 1400)

Abstract:

Today, political participation is one of the most important components of political development in countries. Analyzed data show that 68% of the effect of economic intelligence on political participation of Kerman citizens is indirectly explained by the mediating variable of political intelligence. Regarding the relationship between social intelligence and political participation, the results of data analysis through structural equations show that the standardized beta coefficient The effect of social intelligence on political participation is equal to ($\beta = 0.60$) and because p-value (significance) is equal to 0.000 and less than the significance level of $\alpha = 0.05$. It has a significant and direct effect. Analysis of data to examine the parameters for measuring the indirect effect of social intelligence on the political participation of Kerman citizens, considering the mediating role of political intelligence by the bootstrap method, shows that 55% of the effect The social dimension of the political participation of the citizens of Kerman is indirectly explained by the mediating variable of political intelligence.

Keywords: Economic intelligence, social intelligence, political intelligence and political participation.

تأثیر هوش سیاسی بر رابطه هوش‌های اقتصادی و اجتماعی با مشارکت سیاسی
 (مطالعه موردی شهروندان کرمان سال ۱۴۰۰)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۰۵

محسن روحی^۱

مجید گل پرور^۲

علیرضا منظری توکلی^۳

چکیده

مشارکت سیاسی امروزه یکی از مهمترین مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کشورها محسوب می‌شود لذا تحقیق حاضر به بررسی تاثیر هوش سیاسی بر رابطه هوش‌های اقتصادی و اجتماعی با مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهروندان کرمان سال ۱۴۰۰) پرداخته است. روش تحقیق در این مطالعه از نوع توصیفی-همبستگی می‌باشد و ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد می‌باشد. آنالیز داده‌ها نشان می‌دهد که ۶۸ درصد از تاثیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان از طریق غیر مستقیم توسط متغیر میانجی هوش سیاسی تبیین می‌شود. در خصوص رابطه هوش اجتماعی و مشارکت سیاسی نتایج تحقیق تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق معادلات ساختاری نشان می‌دهد که ضریب بتای استاندارد شده اثر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی برابر $(\beta = 0/60)$ و چون p -مقدار (معنی داری) برابر $0/000$ و کوچکتر از سطح معنی داری $\alpha = 0/05$ است. در نتیجه با توجه به مثبت بودن ضریب بتا، هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی اثر معنی دار و مستقیم دارد. تجزیه و تحلیل داده‌ها برای بررسی پارامترهای اندازه‌گیری اثر غیر مستقیم هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی هوش سیاسی از روش بوت استرپ نشان می‌دهد که ۵۵ درصد از تاثیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان از طریق غیر مستقیم توسط متغیر میانجی هوش سیاسی تبیین می‌شود.

کلید واژگان: هوش اقتصادی، هوش اجتماعی، هوش سیاسی و مشارکت سیاسی.

۱- دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت

۲- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بافت، نویسنده مسئول:

۳- دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهید حاج قاسم سلیمان:

«مشارکت سیاسی»، امروزه، یکی از مهمترین مؤلفه‌های توسعه سیاسی در کشورها محسوب می‌شود و علاوه بر این، یکی از ابعاد و شاخص‌های رشد و توسعه دموکراسی در جهان به شمار می‌آید و موضوعی است که در تمامی جوامع، مورد توجه بسیاری از افراد، از جمله سیاستمداران، رهبران سیاسی، محققین و نظریه پردازان علوم سیاسی قرار گرفته است و روز به روز نیز بر اهمیت آن افزوده می‌شود (پوردانش، ۱۳۹۵). از مشارکت سیاسی، تعاریف مختلفی ارائه شده است آلن پیرفیت^۱ در دیباچه، اثر دسته جمعی و مشارکت چیست؟ می‌نویسد: مشارکت سیاسی در اصطلاح، به معنای مساعی سازمان یافته شهروندان برای انتخاب رهبران خویش، شرکت مؤثر در فعالیتهای و امور اجتماعی و سیاسی و تأثیر گذاشتن بر ترکیب هدایت سیاسی دولت است. (به نقل از میلبراث، ۱۳۹۲). برخی، مشارکت سیاسی را یک «اقدام سیاسی» تعریف نموده که در مقطعی خاص به وسیله گروهی از افراد جامعه انجام می‌شود و می‌تواند در ابعاد و سطوح مختلف، حادث گردد؛ مثلاً، شرکت در انتخابات، شرکت در راه پیمایی‌های سیاسی و ... (مجددی نسب، ۱۳۹۳).

امروزه هم از دیدگاه نظری و تئوریک و هم از منظر عملی، توجه ویژه‌ای به نقش و چگونگی تأثیر مؤلفه‌ها و عوامل فردی تأثیر گذار بر مشارکت سیاسی می‌شود و با توجه به این مسئله که مطالعه و بررسی چگونگی رابطه بین مؤلفه‌ها، عوامل و خصوصیات فردی بر کنش‌های مختلف سیاسی شهروندان، از جمله تمایل آنان به مشارکت سیاسی در ابعاد مختلف آن در کشور معمولاً به ندرت از سوی محققین مورد مطالعه و سنجش قرار گرفته، این پژوهش، به دنبال مطالعه و سنجش چگونگی رابطه بین هوش اقتصادی و هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی با تکیه بر نقش میانجی هوش سیاسی در بین شهروندان شهر کرمان به عنوان یک مطالعه موردی پرداخته است. لذا این پژوهش، به دنبال پاسخگویی به این سؤال اساسی است که آیا بین هوش اقتصادی و هوش اجتماعی با مشارکت سیاسی در بین شهروندان شهر کرمان با توجه به اثر میانجیگری هوش سیاسی رابطه معناداری وجود دارد؟

۱- پیشینه تحقیق

مسعودنیا و همکاران (۱۳۹۲) نشان داده‌اند که رابطه معنی‌داری بین متغیرهای آگاهی سیاسی، محیط سیاسی، انگیزه‌های سیاسی و میزان محرومیت نسبی با مشارکت سیاسی وجود دارد. مجلل چوپقلو (۱۳۹۲) نشان داده است که بین هوش اخلاقی افراد مورد مطالعه و مشارکت سیاسی آنان رابطه معناداری وجود دارد، نیکخواه (۱۳۹۵) نشان داده است که بین متغیرهای اعتماد اجتماعی، احساس تعلق اجتماعی، مسؤلیت‌پذیری اجتماعی با مشارکت اجتماعی شهروندان، رابطه وجود دارد. دولت آبادی (۱۳۹۵) نشان داده است که بین فقر اقتصادی، اعتماد اجتماعی به سیستم سیاسی و میزان مشارکت سیاسی در افراد مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد. امام جمعه زاده (۱۳۹۵) نشان داده است که با تقسیم سرمایه اجتماعی به سه متغیر (اعتماد اجتماعی، هنجارهای اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی) و میزان مشارکت سیاسی پاسخگویان رابطه وجود دارد، گلشاهی و همکاران (۱۳۹۹) نشان داده است که هوش سیاسی با تأکید بر مولفه‌هایی همچون بازی‌های اجتماعی، شخصیت سیاسی، تسخیر احساسات و پویایی‌های قدرت، قابلیت ارزیابی منازعات سیاسی را به خوبی دارا می‌باشد و به عنوان یک چارچوب مفهومی

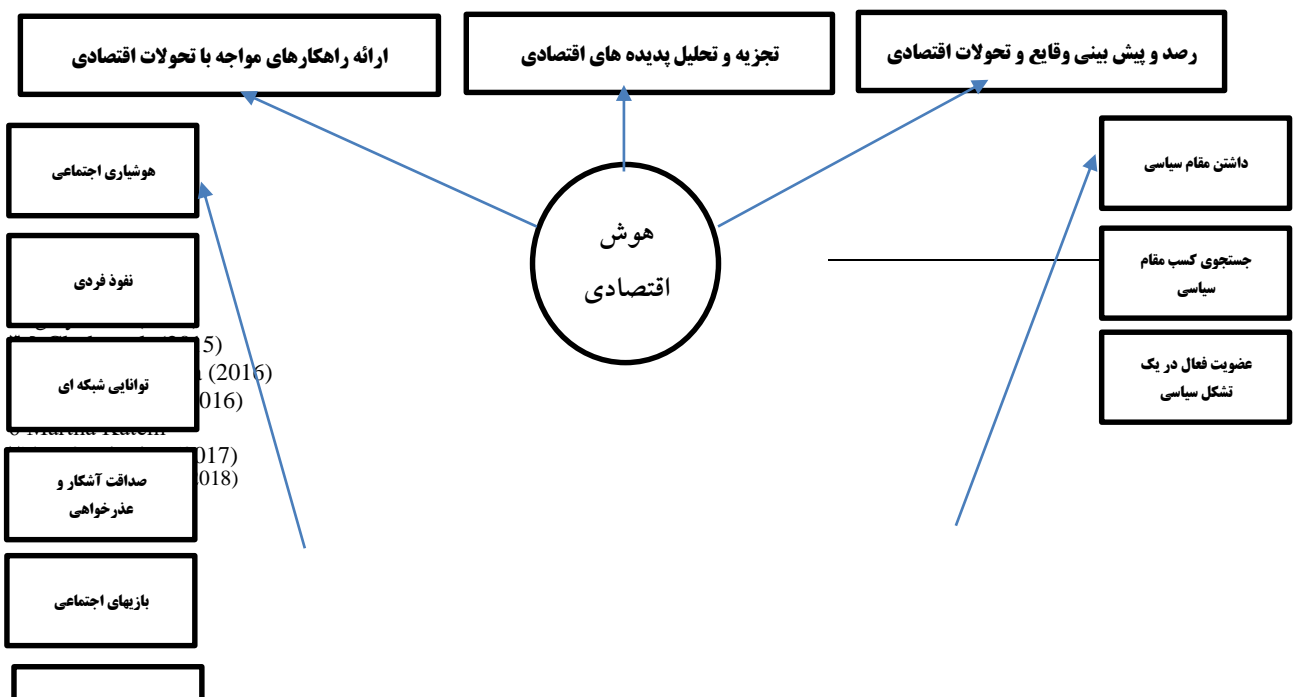
1-political participation
2-Political Act
3-Alan Pirfit

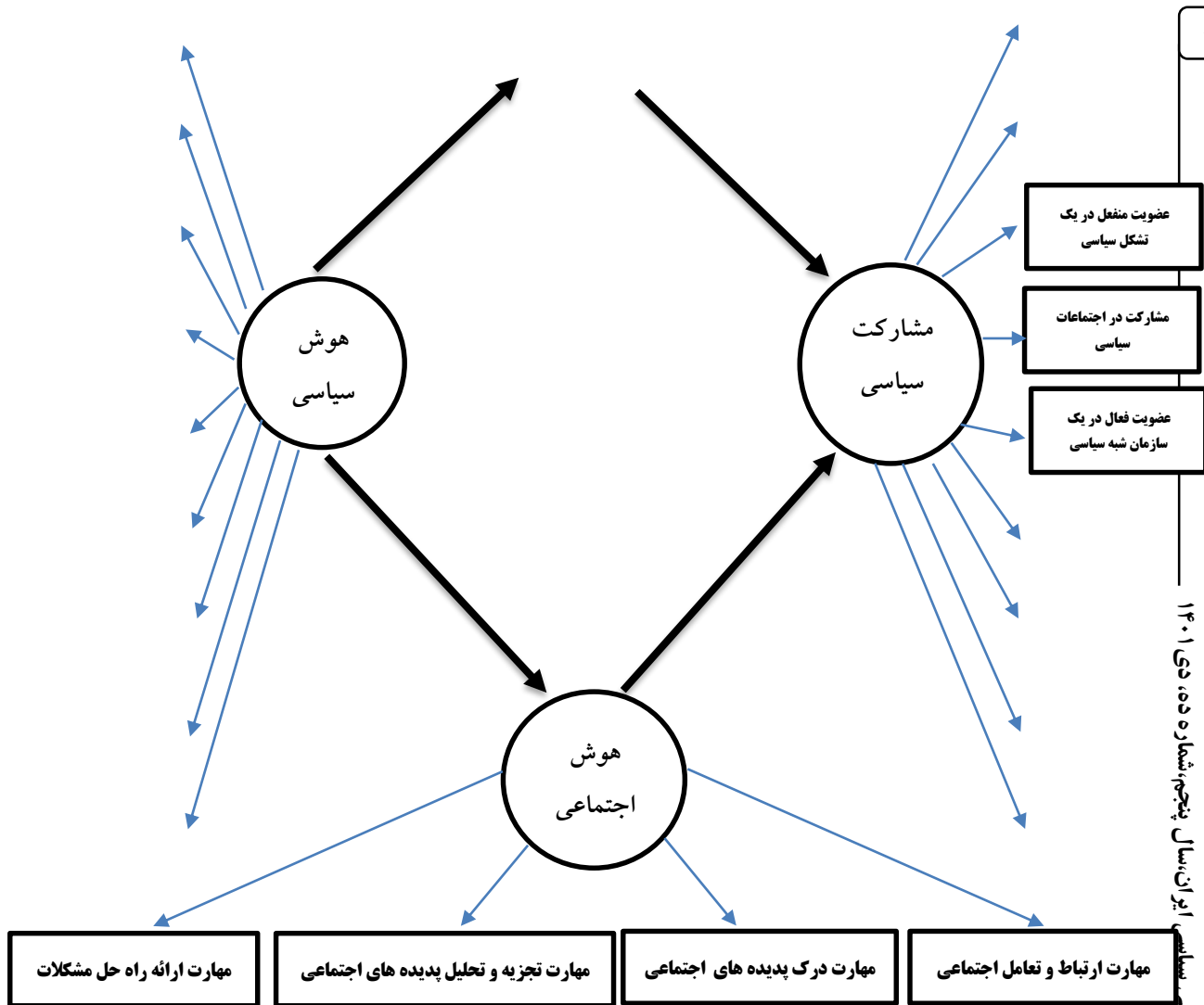
امکان ارزیابی سیاسی را افزایش می دهد. قادری (۲۰۱۳) نشان داده است که بین وضعیت اقتصادی، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، اعتماد اجتماعی و تمایل به مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. لایگی و همکاران (۲۰۱۴) نشان می دهد که بین سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی، جامعه پذیری، فرهنگ پذیری، جامعه پذیری سیاسی و گرایش افراد به مشارکت سیاسی در ابعاد مختلف رابطه معناداری وجود دارد. مک کلارک و همکاران (۲۰۱۵) نشان داده اند که داشتن دوستان فعال در امور سیاسی موجب افزایش احتمال مشارکت خود افراد می شود، بوکر و پوتسما (۲۰۱۶) بیان می کنند که مولفه های فرهنگی از جمله سرمایه فرهنگی، صلاحیتهای بین فرهنگی، حساسیتهای بین فرهنگی و هوش فرهنگی در مشارکت پذیری سیاسی جوامع تأثیر بسزایی دارند. ایمای و گلفند (۲۰۱۶) نشان داده اند هوش فرهنگی تأثیر معناداری بر ابعاد مختلف مشارکت سیاسی در بین افراد دارد. مارتا کاتم (۲۰۱۶) نشان داده است که هوش سیاسی بعنوان یکی از قابلیت های روانشناختی سیاسی افراد می تواند تأثیر مستقیمی بر انواع رفتارها و کنش های سیاسی افراد داشته باشد. آلن و هیگینز (۲۰۱۷) نشان داده اند که بین انواع مختلف هوش با جامعه پذیری سیاسی و همچنین میزان تعامل و مشارکت آنان به احزاب سیاسی در افراد مورد مطالعه رابطه معناداری وجود دارد "گریگوری و همکاران (۲۰۱۶-۲۰۱۸)"^۸ نشان داده اند که هوش فرهنگی رابطه معناداری با ارتقای بلوغ سیاسی و افزایش مشارکت پذیری سیاسی دارد.

۲- مبانی نظری و مدل مفهومی تحقیق

امروزه، مشارکت سیاسی به عنوان مهمترین شاخص توسعه سیاسی کشورها به امری گریزناپذیر تبدیل شده است. این امر در تمامی نظام های سیاسی به ویژه در کشورهای در حال توسعه به شکلی حساس تر، خود را نشان می دهد به گونه ای که اکثر دولت ها و نظام های سیاسی به نوعی ناچارند برای کسب مشروعیت بیشتر به دنبال جلب بیشتر مشارکت سیاسی شهروندان خود باشند. از طرف دیگر، میزان بالای مشارکت سیاسی مردم در زمینه تصمیمات و خط مشی های سیاسی بر فرهنگ توسعه یافته و توسعه یافتگی فرهنگ سیاسی آن جامعه، دلالت دارد. لذا موضوع مشارکت سیاسی، امروزه در تمامی نظام های سیاسی از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. آنچه که در عصر حاضر در بحث مشارکت سیاسی، بیشتر مورد توجه محققین و پژوهشگران علوم سیاسی قرار دارد، موضوع سنجش میزان مشارکت سیاسی شهروندان و عوامل مرتبط و مؤثر بر آن می باشد. هوش سیاسی که در بعضی موارد به «هوش تدبیری» نیز تعبیر شده است، هنری حیاتی برای کنشگران و رهبران سیاسی در جهت درک و فهم رخدادها و رویدادهای سیاسی به حساب می آید و عاملی مهم در جهت پیشبرد امور و دستیابی به اهداف در نظر گرفته شده، می باشد (قاسمی نسب، ۱۳۹۲).

۳-۱- مدل مفهومی تحقیق





تحقیق حاضر، توصیفی از نوع همبستگی می باشد و به بررسی رابطه بین هوش اقتصادی و هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی با تکیه بر نقش میانجی هوش سیاسی در بین شهروندان شهر کرمان می پردازد. جامعه آماری تحقیق، کلیه شهروندان دارای سن ۱۸ سال به بالای ساکن در شهر کرمان می باشند که بر پایه اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن استان کرمان و برآوردهای انجام شده از سوی مرکز آمار سازمان مدیریت و برنامه ریزی کرمان، تعداد کل جمعیت شهروندان دارای ۱۸ سال سن به بالای ساکن شهر کرمان در سال ۱۳۹۸ حدود ۴۱۰۲۷۱ نفر می باشند. با استفاده از فرمول کوکران و با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ای، ۳۸۴ نفر انتخاب شدند، در این پژوهش جهت سنجش مشارکت سیاسی، از پرسش نامه استاندارد سنجش مشارکت سیاسی بر مبنای نظریه مایکل راش استفاده شد. جهت سنجش هوش سیاسی از پرسشنامه استاندارد هوش سیاسی بر مبنای نظریه اشرف و لکبال (۲۰۱۰) و همچنین نظریه فریس و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شد. جهت سنجش هوش اقتصادی، از پرسشنامه استاندارد پوپویس و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شد و نهایتاً جهت سنجش هوش اجتماعی از پرسشنامه استاندارد هوش اجتماعی، بر مبنای نظریه ماتسون (۲۰۱۱) استفاده گردیده است. میزان پایایی و اعتبار پرسشنامه ها از طریق آزمون آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفته که در همی خصوص میزان اعتبار و پایایی پرسشنامه مشارکت سیاسی با ۰/۹۴۵، هوش اقتصادی با ۰/۹۴۷، هوش سیاسی با ۰/۹۷ و پرسشنامه هوش اجتماعی با ۰/۹۶۷ محاسبه و مورد تأیید قرار گرفته است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از شاخص های آماری توصیفی شامل جداول، نمودارهای فراوانی، درصد و میانگین استفاده شده و همچنین در قسمت تحلیل داده ها به دلیل تأیید شدن فرض نرمال بودن متغیرها برای بررسی فرضیات، از آزمون تحلیل عوامل^۱ و معادلات ساختاری^۲ استفاده شد. در ضمن، کلیه مراحل انجام محاسبات به وسیله کامپیوتر و با استفاده از نرم افزار SPSS28 و نرم افزار AMOS ۲۴ انجام شده است.

۴- تجزیه و تحلیل داده ها :

۱-۵- آمار توصیفی

آمار توصیفی پژوهش حاضر بدین صورت بود که ۴۴٫۶ درصد از افراد مورد مطالعه زن و ۵۵٫۴ درصد مرد بوده اند. به لحاظ سنی ۱۰٫۷ درصد از افراد مورد مطالعه تا ۲۵ سال، ۲۶٫۸ درصد ۲۵ تا ۳۵ سال، ۳۲٫۳ درصد ۳۵ تا ۴۵ سال، ۲۰٫۱ درصد ۴۵ تا ۵۵ سال و ۱۰٫۲ درصد ۵۵ سال به بالا سن داشته اند. ۱٫۳ درصد از افراد مورد مطالعه میزان تحصیلات شان بی سواد، ۱۳٫۸ درصد ابتدایی و سیکل، ۲۳٫۲ درصد متوسطه و دیپلم، ۴۰٫۱ درصد فوق دیپلم و لیسانس، ۲۱٫۶ درصد فوق لیسانس و دکترا بوده است. ۲۵٫۳ درصد از افراد مورد مطالعه مجرد و ۷۴٫۷ درصد متاهل بوده اند. ۲۴٫۱ درصد از افراد مورد مطالعه بیکار، ۶۲ درصد شاغل و ۱۳٫۹ درصد بازنشسته بوده اند. ۸۸٫۳ درصد از افراد مورد مطالعه بومی کرمان و ۱۱٫۷ درصد غیر بومی بوده اند. ۱۷ درصد از افراد مورد مطالعه ساکن منطقه یک شهر کرمان، ۲۹٫۹ درصد منطقه دو، ۲۶٫۴ درصد منطقه سه، ۱۶٫۵ درصد منطقه چهار و ۱۰٫۲ درصد ساکن منطقه پنج شهر کرمان بوده اند. ۱۱٫۳ درصد از افراد مورد مطالعه متوسط درآمد ماهیانه شان تا سه میلیون تومان، ۳۳٫۶ درصد سه تا شش میلیون تومان، ۲۸ درصد شش تا نه میلیون تومان، ۱۸٫۳ درصد نه تا دوازده میلیون تومان و ۸٫۹ درصد دوازده میلیون تومان به بالا بوده است. ۳٫۷ درصد از افراد مورد مطالعه قشر اجتماعی خود را پایین، ۱۵٫۶ درصد متوسط رو به پایین، ۴۸٫۳ درصد متوسط، ۳۱٫۴ درصد متوسط رو به بالا و ۱٫۱ درصد بالا

ارزیابی نموده اند. ۳,۷ درصد از افراد مورد مطالعه به لحاظ میزان دارایی و تمکن مالی خود را فقیر و ناتوان، ۱۳,۹ درصد کم درآمد، ۵۲,۶ درصد در حد متوسط و عادی، ۲۱,۷ درصد مناسب و ۸,۱ درصد مرفه ارزیابی نموده اند.

۵-۲-۲- آمار استنباطی

۵-۲-۱- مفروضه های زیربنایی مدل معادلات ساختاری

برای اطمینان از اینکه داده های این پژوهش مفروضه های زیربنایی مدل معادلات ساختاری را برآورد می کنند، به بررسی آنها پرداخته شد و از طریق محاسبه با نرم افزار AMOS مشخص گردید داده های این تحقیق دارای داده پرت نیستند. یکی دیگر از مفروضه های مهم مدل معادلات ساختاری، نرمال بودن توزیع متغیرهاست. در پژوهش حاضر جهت بررسی نرمال بودن متغیرها از کجی و کشیدگی متغیرها استفاده شد. نتایج ضریب کجی (و ضریب کشیدگی) نشان داد که با توجه به معیار نرمال بودن، متغیرهای پژوهش همگی دارای قدر مطلق ضریب کجی کوچکتر از ۳ و قدر مطلق ضریب کشیدگی کوچکتر از ۱۰ هستند، مشخص گردید داده ها نرمال هستند.

۵-۲-۲- نحوه ارزیابی الگوی پیشنهادی با استفاده از مدل معادلات ساختاری

برای بررسی اعتبار و کفایت داده ها از شاخص KMO استفاده شده است همچنین از آزمون بارتلت نیز برای بررسی چگونگی ماتریس همبستگی استفاده می شود. که نتایج آن در جدول شماره (۱) ارائه شده اند و قابل قبول می باشند.

جدول (۱) مقدار آماره آزمون KMO و بارتلت

بارتلت		KMO	آزمون پرسشنامه
۰/۰۰۰ = معنی داری	۲۷۶ = درجه آزادی	$\chi^2 = 10930/450$	۰/۹۴۱ مشارکت سیاسی
۰/۰۰۰ = معنی داری	۶۳۰ = درجه آزادی	$\chi^2 = 19081/121$	۰/۹۵۳ هوش سیاسی
۰/۰۰۰ = معنی داری	۱۹۰ = درجه آزادی	$\chi^2 = 9585/156$	۰/۹۲۶ هوش فرهنگی
۰/۰۰۰ = معنی داری	۱۲۰ = درجه آزادی	$\chi^2 = 8404/813$	۰/۹۴۳ هوش اقتصادی
۰/۰۰۰ = معنی داری	۴۰۶ = درجه آزادی	$\chi^2 = 17331/736$	۰/۹۴۸ هوش اجتماعی

۵-۲-۳- سنجش رابطه هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان :

H_0 : متغیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی اثر ندارد.

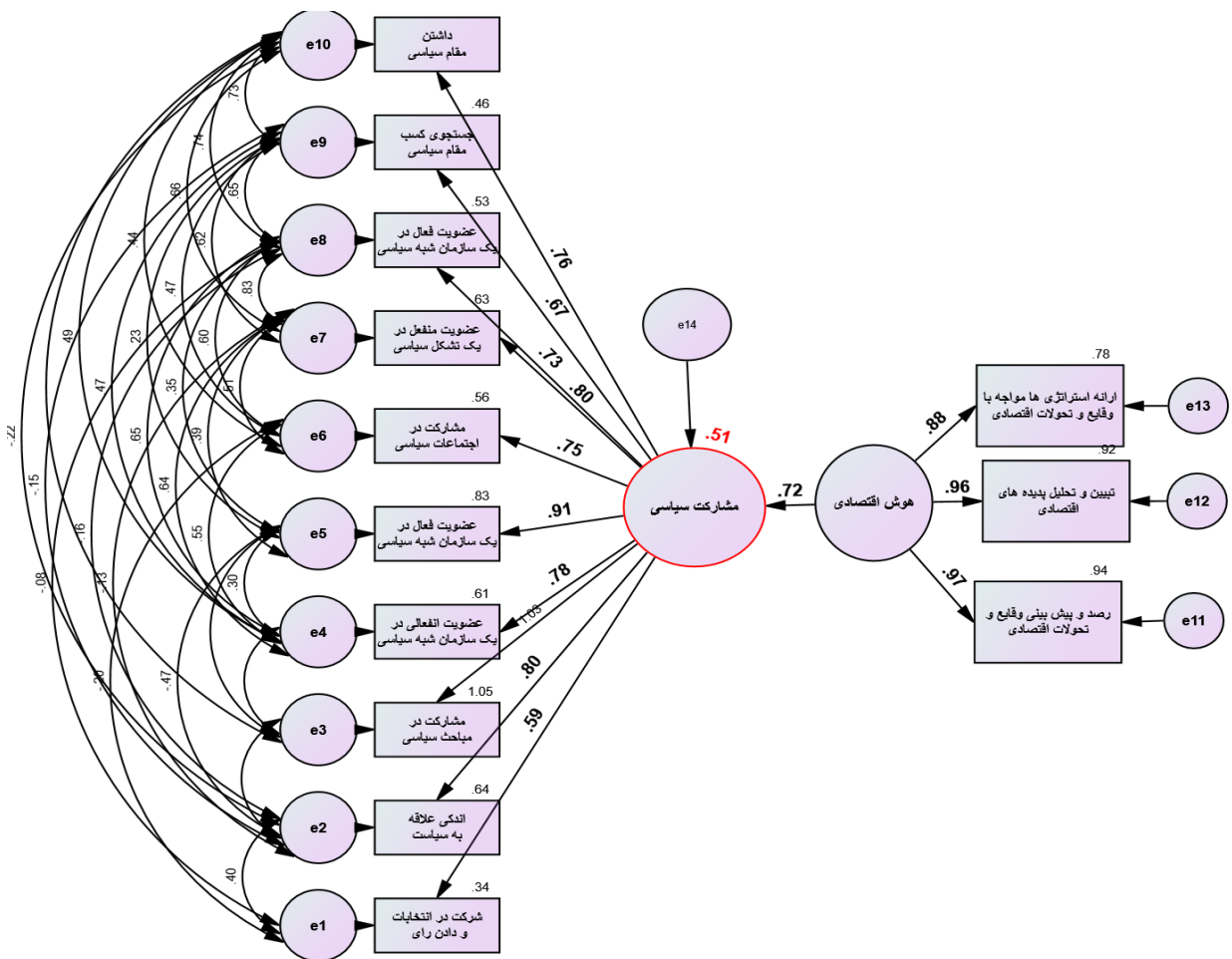
H_1 : متغیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی اثر دارد.

تجزیه و تحلیل داده ها از طریق معادلات ساختاری نشان می دهد که ضریب بتای استاندارد شده اثر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی برابر $(\beta = 0/72)$ و چون p -مقدار (معنی داری) برابر $0/000$ و کوچکتر از سطح معنی داری $\alpha = 0/05$ است، لذا در این سطح فرض عدم وجود تاثیر رد می شود و در نتیجه با توجه به مثبت بودن ضریب بتا، هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی اثر معنی دار و مستقیم دارد. این مطلب با توجه به نحوه پراکندگی نقاط در شکل (۲) مورد تأیید است. ضریب تعیین بین دو

متغیر برابر ۰/۵۱ ($R^2=۰/۵۱$) است. نتایج الگوی معادلات ساختاری، از برازش قابل قبول برخوردار است (جدول ۲ و شکل ۲).

جدول (۲) خلاصه نتایج پارامترهای اندازه گیری اثر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی در معادلات ساختاری

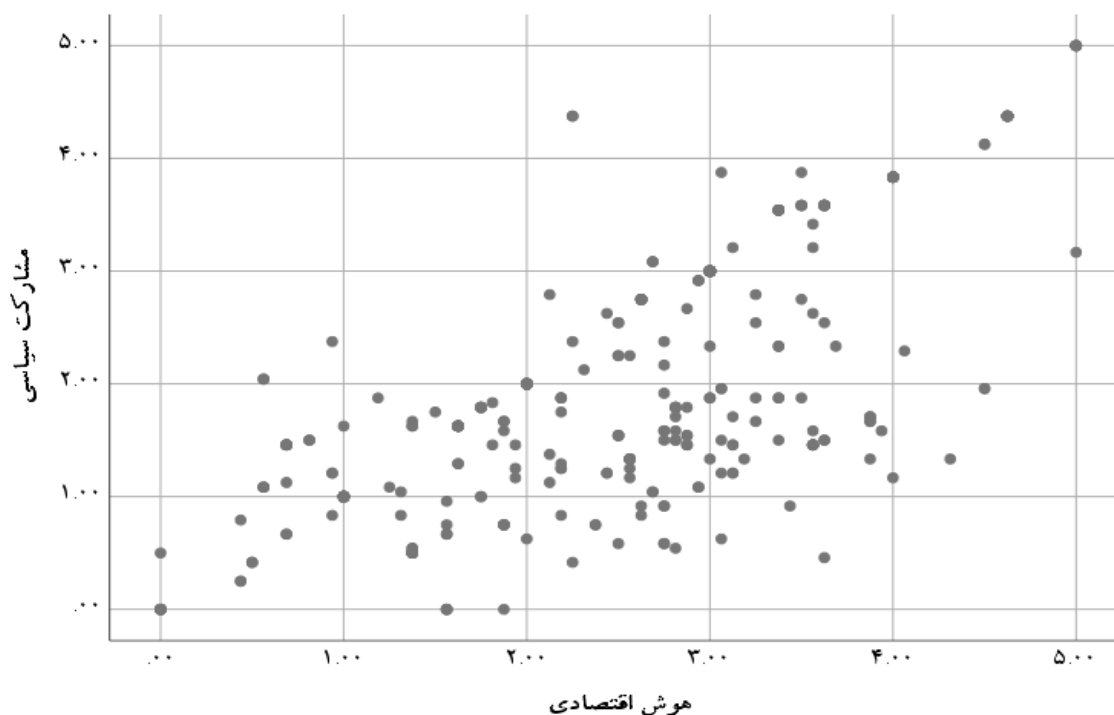
روابط	نتایج	ضریب استاندارد	آماره آزمون	عدد معناداری	نتیجه آزمون
هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی		۰/۷۲	۱۱/۰۴۳	۰/۰۰۰	تأثیر مثبت و معنی داری دارد
مدل مورد تایید و از برازش مطلوبی برخوردار است					$GFI=۰/۹۱$ ، $RMR = ۰/۰۳$ ، $CMIN/DF = ۳/۳۲$ ، $RMSEA = ۰/۰۹$ $TLI=۰/۹۱$ ، $IFI=۰/۹۶$ ، $CFI=۰/۹۶$ ، $AGFI =$



تأثیر هوش سیاسی بر رابطه هوش های اقتصادی و اجتماعی با مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهروندان کرمان سال ۱۴۰۰)

شکل (۱): الگوی معادلات ساختاری [مدل ساختاری و مدل های اندازه گیری] تأثیر متغیر هوش اقتصادی بر مشارکت

سیاسی



شکل (۲): نمودار پراکنش بین هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی

۴-۲-۵- رابطه هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان

H_0 : متغیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی اثر ندارد.

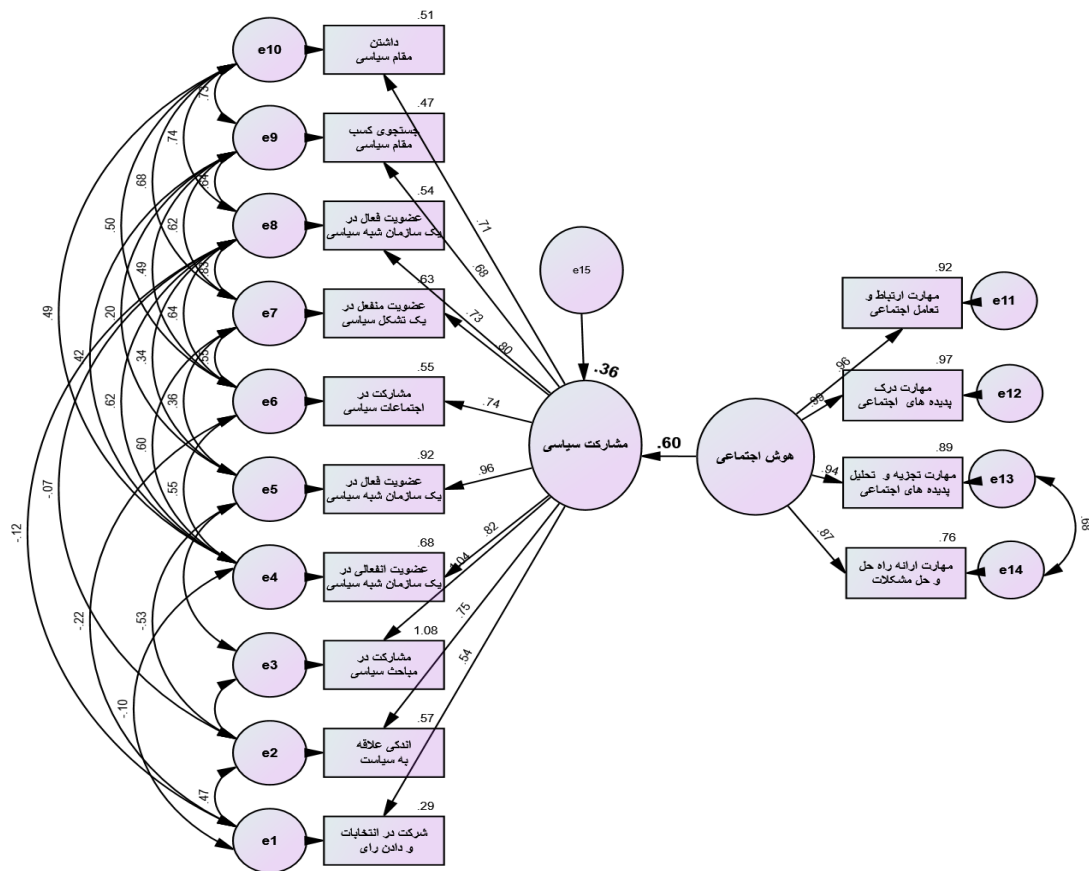
H_1 : متغیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی اثر دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق معادلات ساختاری نشان می‌دهد که ضریب بتای استاندارد شده اثر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی برابر $(\beta = 0/60)$ و چون $-p$ مقدار (معنی داری) برابر $0/000$ و کوچکتر از سطح معنی داری $\alpha=0/05$ است، لذا در این سطح فرض عدم وجود تاثیر رد می‌شود و در نتیجه با توجه به مثبت بودن ضریب بتا، هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی اثر معنی دار و مستقیم دارد. این مطلب با توجه به نحوه پراکنندگی نقاط در شکل (۴) مورد تأیید است. ضریب تعیین بین دو

متغیر برابر ۰/۳۶ (R²=۰/۳۶) است. نتایج الگوی معادلات ساختاری، تقریباً از برازش قابل قبول برخوردار است (جدول ۳ و شکل ۴).

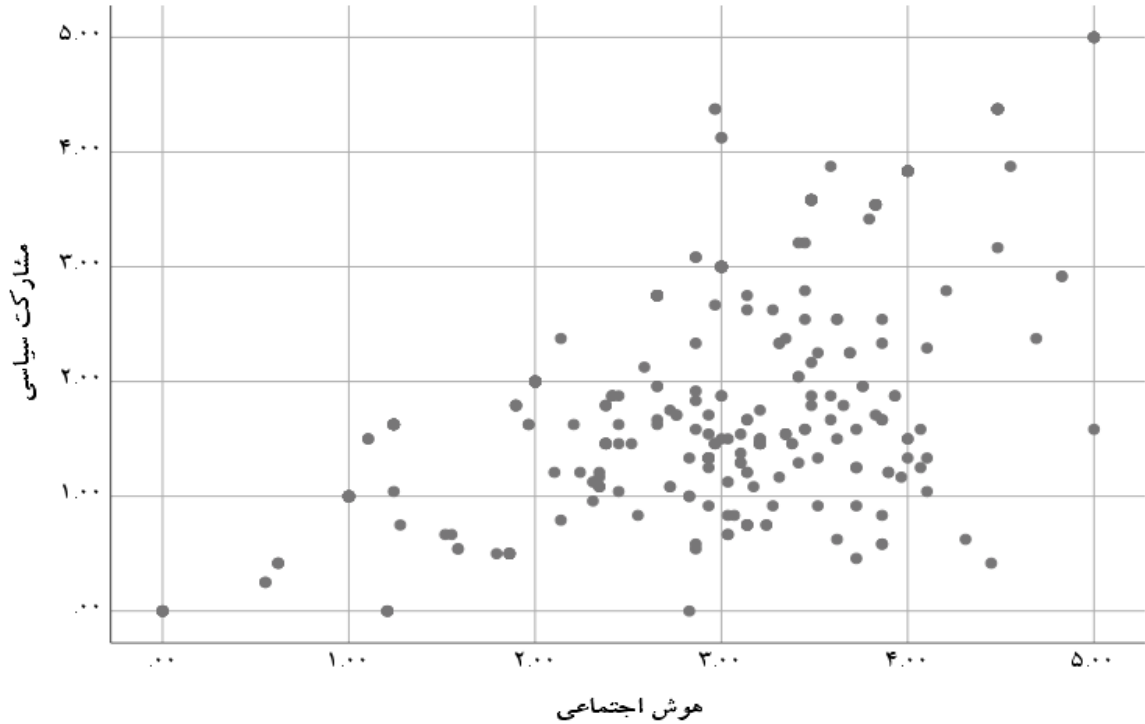
جدول (۳) خلاصه نتایج پارامترهای اندازه گیری اثر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی در معادلات ساختاری

روابط	نتایج	ضریب استاندارد	آماره آزمون	عدد معناداری	نتیجه آزمون
هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی		۰/۶۰	۱۵/۳۵۵	۰/۰۰۰	تأثیر مثبت و معنی داری دارد
مدل مورد تایید و از برازش مطلوبی برخوردار است					GFI=۰/۹۰ ، RMR = ۰/۰۷ ، CMIN/DF = ۳/۹۵ ، RMSEA = ۰/۰۹۹ TLI=۰/۹۱ ، JFI=۰/۹۵ ، CFI=۰/۹۵ ، AGFI = ۰/۸۶



تأثیر هوش سیاسی بر رابطه هوش های اقتصادی و اجتماعی با مشارکت سیاسی (مطالعه موردی شهروندان کرمان سال ۱۴۰۰)

شکل (۳) الگوی معادلات ساختاری [مدل ساختاری و مدل های اندازه گیری] تأثیر متغیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی



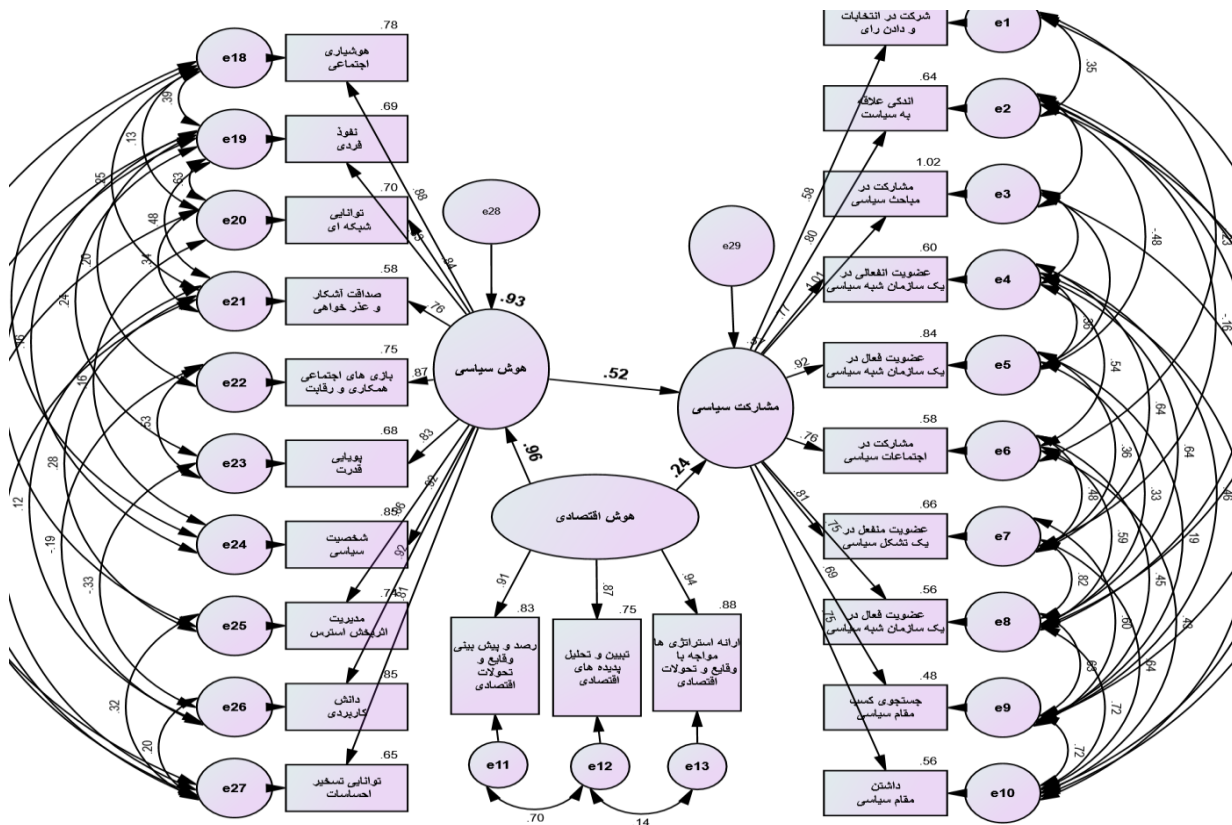
شکل (۴) نمودار پراکنش بین هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی

۵-۲-۵- رابطه هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی برای بررسی مدل الگوی پیشنهادی تاثیر متغیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی از روش الگویابی معادلات ساختاری از نرم افزار AMOS 24 استفاده شد. و مشخص گردید هر چه بار عاملی بیشتر باشد، سهم آن متغیر بیشتر است. با توجه به آماره های بدست آمده برای مدل الگوی پیشنهادی تاثیر متغیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی در جدول (۴) و شکل (۵) شاخص های $RMSEA = 0/10$ ، $CFI = 0/920$ ، $AGFI = 0/84$ ، $GFI = 0/85$ ، $RMR = 0/009$ ، $CMIN/DF = 4/04$ ، $NFI = 0/910$ و $IFI = 0/920$ نشان می دهد نتایج الگوی معادلات ساختاری، تقریباً از برازش مطلوب و قابل قبول برخوردار است.

جدول (۴) خلاصه نتایج پارامترهای اندازه گیری اثر متغیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به

نقش میانجی گری هوش سیاسی

شاخص	مقادیر	مقدار قابل قبول	نتیجه شاخص
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۱۰	کوچکتر مساوی ۰/۰۸	تقریباً مدل مورد تأیید است.
آماره خی-دو بهنجار شده (CMIN/DF)	۴/۰۴	کوچکتر مساوی ۳	تقریباً مدل مورد تأیید است.
ریشه میانگین مربعات خطا (RMR)	۰/۰۹	کوچکتر مساوی ۰/۰۵	تقریباً مدل مورد تأیید است
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۸۵	بزرگتر مساوی ۰/۹	مدل مورد تأیید است.
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	۰/۸۴	بزرگتر مساوی ۰/۹	مدل مورد تأیید است.
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۲۰	بزرگتر مساوی ۰/۹	مدل مورد تأیید است.
شاخص برازش افزایشی (IFI)	۰/۹۲۰	بزرگتر مساوی ۰/۹	مدل مورد تأیید است.
شاخص برازش افزایشی (NFI)	۰/۹۱۰	بزرگتر مساوی ۰/۹	مدل مورد تأیید است.



شکل (۵): الگوی معادلات ساختاری [مدل ساختاری و مدل‌های اندازه‌گیری] تاثیر متغیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی

۵-۲-۱- الگوی ساختاری اثرات مستقیم متغیرهای تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق مدل معادلات ساختاری برآزش یافته، معنی داری اثرات متغیر هوش اقتصادی بر هوش سیاسی و هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی به ترتیب برابر $0/000$ و $0/003$ و کوچکتر از سطح معنی داری $\alpha=0/05$ هستند. لذا در این سطح فرض عدم وجود تاثیر رد می‌شود و در نتیجه تاثیر متغیر هوش اقتصادی بر هوش سیاسی با توجه به ضریب مثبت ($\beta = 0/96$)، معنی دار و مستقیم و دارای قویترین اثر، و تاثیر هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی با توجه به ضریب مثبت ($\beta = 0/52$)، معنی دار و مستقیم است و معنی داری تأثیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی برابر $0/159$ و بزرگتر از سطح معنی داری $\alpha=0/05$ است، لذا در این سطح فرض عدم وجود تاثیر رد نمی‌شود و در نتیجه متغیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی تاثیر معنی داری ندارد

جدول (۵) خلاصه نتایج پارامترهای اندازه‌گیری اثر مستقیم متغیرهای تحقیق در معادلات ساختاری (هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی)

روابط	نتایج	ضریب استاندارد	آماره آزمون	عدد معناداری	نتیجه آزمون
هوش اقتصادی بر هوش سیاسی		۰/۹۶	۲۰/۵۸۱	۰/۰۰۰	تاثیر مثبت و معنی داری دارد
هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی		۰/۲۴۴	۱/۴۱۰	۰/۱۵۹	تاثیر معنی داری ندارد
هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی		۰/۵۲	۲/۹۴۴	۰/۰۰۳	تاثیر مثبت و معنی داری دارد

۵-۲-۲- اثرات غیر مستقیم رابطه هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی

تجزیه و تحلیل داده‌ها برای بررسی پارامترهای اندازه‌گیری اثر غیر مستقیم هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی از روش بوت استرپ‌نشان می‌دهد که ضریب استاندارد شده $\beta = 0/50$ و معنی داری برای $0/048$ و کوچکتر از سطح معنی داری $0/05$ ارائه شده. لذا در این سطح فرض عدم تاثیر رد می‌شود و در نتیجه هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی اثر معنی داری دارد یا به عبارتی هوش سیاسی به عنوان متغیر میانجی می‌تواند اثر معنی داری بر تاثیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان بگذارد (جدول ۶). همانگونه که در مدل حاضر مشاهده شد، هوش اقتصادی به صورت مستقیم بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان اثر معنی دار ندارد و به صورت غیرمستقیم از طریق هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی اثر معنی داری دارد. با توجه به اینکه $VAF=0.68$ لذا می‌توان نتیجه گرفت که متغیر هوش سیاسی میانجی‌گری تقریباً کامل بر تاثیر هوش

اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان دارد. به عبارتی می توان گفت ۶۸ درصد از تاثیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان از طریق غیر مستقیم توسط متغیر میانجی هوش سیاسی تبیین می شود.

جدول (۶) پارامترهای اندازه گیری اثر غیر مستقیم هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی از روش بوت استرپ

VAF	سطح معنی داری	حد بالا	حد پایین	برآورد استاندارد	برآورد غیراستاندارد	پارامتر
						مسیرها
۰/۶۸	۰/۰۴۸	۰/۶۳۲	۰/۰۸۴	۰/۵۰	۰/۳۵۴	هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی

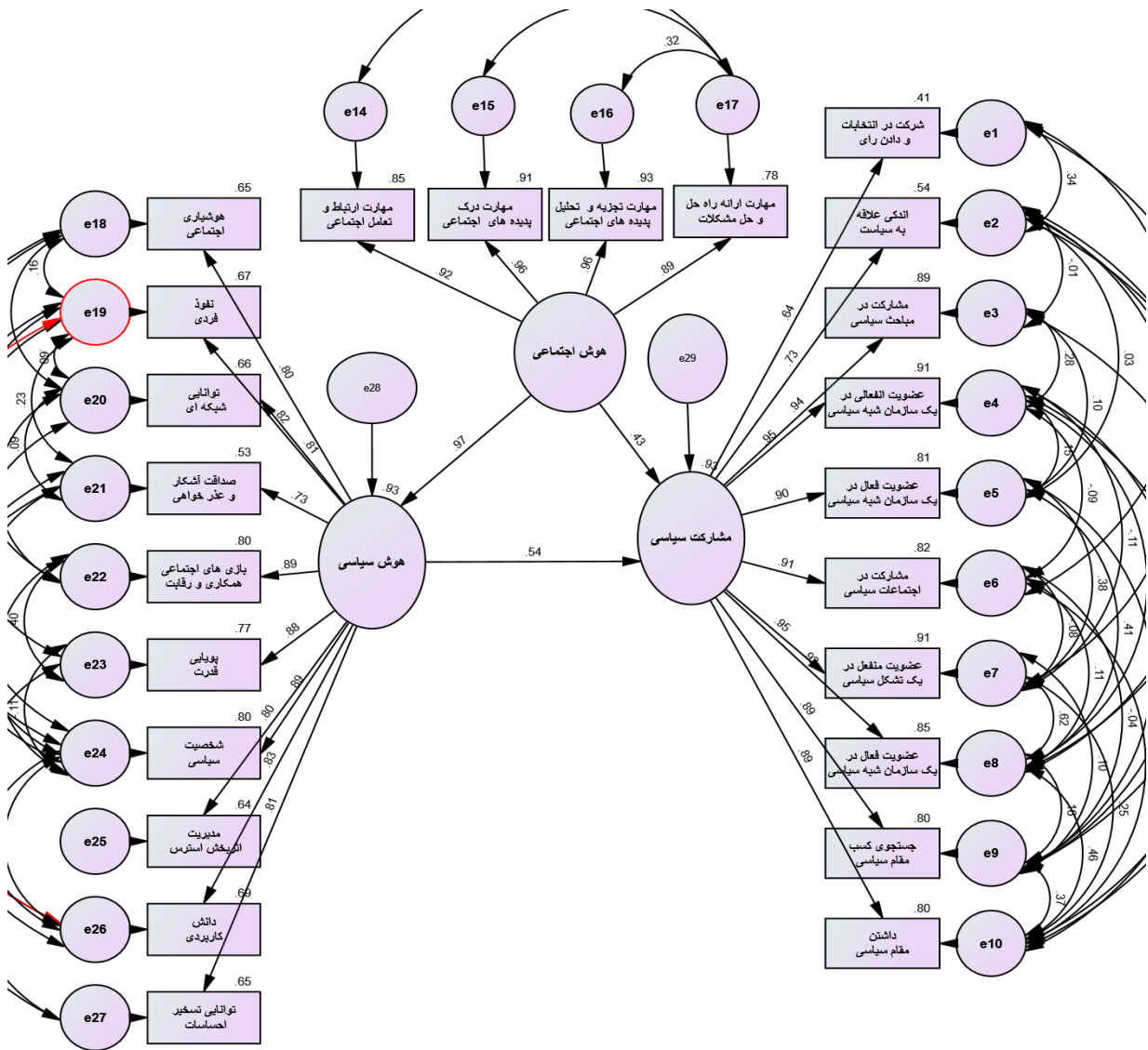
۶-۲-۵- رابطه هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی

برای بررسی مدل الگوی پیشنهادی تاثیر متغیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی از روش الگویابی معادلات ساختاری از نرم افزار AMOS 24 استفاده شد. و مشخص گردید هر چه بار عاملی بیشتر باشد، سهم آن متغیر بیشتر است. با توجه به آماره های بدست آمده برای مدل الگوی پیشنهادی تاثیر متغیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی در جدول (۱۰) و شکل (۴) شاخص های $RMSEA = ۰/۱۰$ ، $CFI = ۰/۹۲۰$ ، $AGFI = ۰/۸۴$ ، $GFI = ۰/۸۵$ ، $RMR = ۰/۰۰۹$ ، $CMIN/DF = ۰/۰۰۹$ ، $IFI = ۰/۹۲۰$ و $NFI = ۰/۹۱۰$ نشان می دهد نتایج الگوی معادلات ساختاری، تقریباً از برازش مطلوب و قابل قبول برخوردار است.

جدول (۷) خلاصه نتایج پارامترهای اندازه گیری اثر متغیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به

نقش میانجی گری هوش سیاسی

شاخص	مقادیر	مقدار قابل قبول	نتیجه شاخص
ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA)	۰/۰۹	کوچکتر مساوی ۰/۰۸	تقریباً مدل مورد تأیید است.
آماره خی-دو بهنجار شده (CMIN/DF)	۴/۰۷	کوچکتر مساوی ۳	تقریباً مدل مورد تأیید است.
ریشه میانگین مربعات خطا (RMR)	۰/۰۶	کوچکتر مساوی ۰/۰۵	تقریباً مدل مورد تأیید است
شاخص نیکویی برازش (GFI)	۰/۸۷	بزرگتر مساوی ۰/۹	تقریباً مدل مورد تأیید است.
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده (AGFI)	۰/۸۳	بزرگتر مساوی ۰/۹	تقریباً مدل مورد تأیید است.
شاخص برازش تطبیقی (CFI)	۰/۹۱	بزرگتر مساوی ۰/۹	مدل مورد تأیید است.
شاخص برازش افزایشی (IFI)	۰/۹۲	بزرگتر مساوی ۰/۹	مدل مورد تأیید است.
شاخص برازش افزایشی (NFI)	۰/۹۰	بزرگتر مساوی ۰/۹	مدل مورد تأیید است.



شکل (۶) الگوی معادلات ساختاری [مدل ساختاری و مدل‌های اندازه‌گیری] تاثیر متغیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی

۵-۲-۶-۱- الگوی ساختاری اثرات مستقیم متغیرهای تحقیق

تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق مدل معادلات ساختاری برآزش یافته، معنی‌داری اثرات متغیر هوش اجتماعی بر هوش سیاسی و مشارکت سیاسی و هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی به ترتیب برابر $0/000$ ، $0/009$ و $0/002$ و کوچکتر از سطح معنی‌داری $\alpha=0/05$ هستند. لذا در این سطح فرض عدم وجود تاثیر رد می‌شود و در نتیجه تاثیر متغیر هوش اجتماعی بر هوش سیاسی با توجه به ضریب مثبت ($\beta=0/97$)، معنی‌دار و مستقیم و دارای قویترین اثر، تاثیر متغیر هوش اجتماعی بر مشارکت

سیاسی با توجه به ضریب مثبت ($\beta = 0/43$)، معنی دار و مستقیم و تأثیر هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی با توجه به ضریب مثبت ($\beta = 0/54$)، معنی دار و مستقیم است (جدول ۸)

جدول (۸) خلاصه نتایج پارامترهای اندازه گیری اثر مستقیم متغیرهای تحقیق در معادلات ساختاری (هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی)

روابط	نتایج	ضریب استاندارد	آماره آزمون	عدد معناداری	نتیجه آزمون
هوش اجتماعی بر هوش سیاسی		۰/۹۷	۱۶/۲۰۷	۰/۰۰۰	تأثیر مثبت و معنی داری دارد
هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی		۰/۴۳	۷/۱۸	۰/۰۰۹	تأثیر معنی داری دارد
هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی		۰/۵۴	۹/۰۲۲	۰/۰۰۲	تأثیر مثبت و معنی داری دارد

تجزیه و تحلیل داده ها برای بررسی پارامترهای اندازه گیری اثر غیر مستقیم هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی از روش بوت استرپ نشان می دهد که ضریب استاندارد شده $\beta = 0/524$ و معنی داری برای $0/001$ و کوچکتر از سطح معنی داری $0/05$ ارائه شده. لذا در این سطح فرض عدم تأثیر رد می شود و در نتیجه هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی اثر معنی داری دارد یا به عبارتی هوش سیاسی به عنوان متغیر میانجی می تواند اثر معنی داری بر تأثیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان بگذارد (جدول ۱۲) همانگونه که در مدل حاضر مشاهده شد، هوش اجتماعی به صورت مستقیم بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان اثر معنی دار دارد و به صورت غیر مستقیم از طریق هوش سیاسی نیز بر مشارکت سیاسی اثر معنی داری دارد. با توجه به اینکه $VAF=0.55$ است، لذا می توان نتیجه گرفت که متغیر هوش سیاسی میانجی گری جزئی بر تأثیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان دارد. به عبارتی می توان گفت ۵۵ درصد از تأثیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان از طریق غیر مستقیم توسط متغیر میانجی هوش سیاسی تبیین می شود (جدول ۹)

جدول (۹) پارامترهای اندازه گیری اثر غیر مستقیم هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی از روش بوت استرپ

پارامتر	برآورد غیر استاندارد	برآورد استاندارد	حد پایین	حد بالا	سطح معنی داری	VAF
مسیرها						
هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی	۰/۹۱۷	۰/۵۲۴	۰/۸۳۳	۰/۹۹۸	۰/۰۰۱	۰/۵۵

۵- بحث و نتیجه گیری :

نتایج حاصل از تحلیل توصیفی متغیرهای اصلی تحقیق نشان می‌دهد که در آن متغیر مشارکت سیاسی با میانگین $۳/۳۰$ و ضریب $(۵۴/۷)$ در سطح متوسط بوده است.

در خصوص رابطه هوش اقتصادی و مشارکت سیاسی نتایج تحقیق تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق معادلات ساختاری نشان می‌دهد که ضریب بتای استاندارد شده اثر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی برابر $(\beta = ۰/۷۲)$ و چون p -مقدار (معنی داری) برابر $۰/۰۰۰$ و کوچکتر از سطح معنی داری $\alpha=۰/۰۵$ است، لذا در این سطح فرض عدم وجود تاثیر رد می‌شود و در نتیجه باتوجه به مثبت بودن ضریب بتا، هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی اثر معنی دار و مستقیم دارد. در خصوص رابطه هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان باتوجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی بر اساس الگوی معادلات ساختاری برآزش یافته، معنی داری اثرات متغیر هوش اقتصادی بر هوش سیاسی و هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی به ترتیب برابر $۰/۰۰۰$ و $۰/۰۰۳$ و کوچکتر از سطح معنی داری $\alpha=۰/۰۵$ هستند. لذا در این سطح فرض عدم وجود تاثیر رد می‌شود و در نتیجه تاثیر متغیر هوش اقتصادی بر هوش سیاسی باتوجه به ضریب مثبت $(\beta = ۰/۹۶)$ ، معنی دار و مستقیم و دارای قویترین اثر، و تاثیر هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی باتوجه به ضریب مثبت $(\beta = ۰/۵۲)$ ، معنی دار و مستقیم است و معنی داری تاثیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی برابر $۰/۱۵۹$ و بزرگتر از سطح معنی داری $\alpha=۰/۰۵$ است. تجزیه و تحلیل داده‌ها برای بررسی پارامترهای اندازه‌گیری اثر غیر مستقیم هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان باتوجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی از روش بوت استرپ نشان می‌دهد که ضریب استاندارد شده $\beta=۰/۵۰$ و معنی داری برای $۰/۰۴۸$ و کوچکتر از سطح معنی داری $۰/۰۵$ ارائه شده. لذا در این سطح فرض عدم تاثیر رد می‌شود و در نتیجه هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان باتوجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی اثر معنی داری دارد یا به عبارتی هوش سیاسی به عنوان متغیر میانجی می‌تواند اثر معنی داری بر تاثیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان بگذارد همچنین باتوجه به اینکه $VAF=0.68$ لذا می‌توان نتیجه گرفت که متغیر هوش سیاسی میانجی‌گری تقریباً کامل بر تاثیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان دارد. به عبارتی می‌توان گفت ۶۸ درصد از تاثیر هوش اقتصادی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان از طریق غیر مستقیم توسط متغیر میانجی هوش سیاسی تبیین می‌شود.

در خصوص رابطه هوش اجتماعی و مشارکت سیاسی نتایج تحقیق تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق معادلات ساختاری نشان می‌دهد که ضریب بتای استاندارد شده اثر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی برابر $(\beta = ۰/۶۰)$ و چون p -مقدار (معنی داری) برابر $۰/۰۰۰$ و کوچکتر از سطح معنی داری $\alpha=۰/۰۵$ است، لذا در این سطح فرض عدم وجود تاثیر رد می‌شود و در نتیجه باتوجه به مثبت بودن ضریب بتا، هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی اثر معنی دار و مستقیم دارد. در خصوص رابطه هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان باتوجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی بر اساس الگوی معادلات ساختاری برآزش یافته، معنی داری اثرات متغیر هوش اجتماعی بر هوش سیاسی و مشارکت سیاسی و هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی به ترتیب برابر $۰/۰۰۰$ ، $۰/۰۰۹$ و $۰/۰۰۲$ و کوچکتر از سطح معنی داری $\alpha=۰/۰۵$ هستند. لذا در این سطح فرض عدم وجود تاثیر رد می‌شود و در نتیجه تاثیر متغیر هوش اجتماعی بر هوش سیاسی باتوجه به ضریب مثبت $(\beta = ۰/۹۷)$ ، معنی دار و مستقیم و دارای قویترین اثر، تاثیر متغیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی باتوجه به ضریب مثبت $(\beta = ۰/۴۳)$ ، معنی دار و مستقیم و تاثیر هوش سیاسی بر مشارکت سیاسی باتوجه به ضریب مثبت $(\beta = ۰/۵۴)$ ، معنی دار و مستقیم است تجزیه و تحلیل داده‌ها برای بررسی پارامترهای اندازه‌گیری اثر غیر مستقیم هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی‌گری هوش سیاسی از روش بوت استرپ نشان می‌دهد که ضریب استاندارد شده $\beta=۰/۵۲۴$ و معنی داری برای $۰/۰۰۱$ و کوچکتر از سطح معنی داری

۰/۰۵ ارائه شده. لذا در این سطح فرض عدم تاثیر ردمی شود و در نتیجه هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان با توجه به نقش میانجی گری هوش سیاسی اثر معنی داری دارد. یافته‌ها عبارتند از: هوش سیاسی به عنوان متغیر میانجی می‌تواند اثر معنی داری بر تاثیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان بگذارد. همانگونه که در مدل حاضر مشاهده شد، هوش اجتماعی به صورت مستقیم بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان اثر معنی دارد و به صورت غیرمستقیم از طریق هوش سیاسی نیز بر مشارکت سیاسی اثر معنی داری دارد. با توجه به اینکه $VAF=0.55$ است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که متغیر هوش سیاسی میانجی گری جزئی بر تاثیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان دارد. به عبارتی می‌توان گفت ۵۵ درصد از تاثیر هوش اجتماعی بر مشارکت سیاسی شهروندان کرمان از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی هوش سیاسی تبیین می‌شود. که این نتایج با تئوری‌ها و نظریه‌های مطرح شده در خصوص عوامل و مولفه‌های موثر بر مشارکت سیاسی از جمله نظریه هانتینگتون و نلسون، نظریه الکس اینکلس، نظریه رابرت کیوساکی، نظریه هنگل و براک، نظریه دانیل گلن، نظریه ترومسو و سیلور اوهمچنین نظریه بویاتزیس، گاسکینووی که هر کدام به نوعی معتقد به تاثیر متغیرهای هوش اقتصادی، هوش اجتماعی و هوش سیاسی بر میزان مشارکت سیاسی بوده‌اند، همسومی باشد.

۶- منابع

- ۱) امام جمعه زاده، جواد و همکاران (۱۳۹۵) بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان، فصلنامه علوم سیاسی، دوره ۱۱، شماره ۴
- ۲) اینکلس آلکس، (۱۳۹۸) جامعه شناسی چیست، ترجمه مشفق همدانی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم
- ۳) پوردانش، حامد (۱۳۹۵) مشارکت سیاسی و رفتار انتخاباتی، تهران، نشر آفتاب گیتی
- ۴) دانیل گلن (۱۳۹۶) هوش اجتماعی هوش هیجانی، ترجمه غلامحسین، خانقائی، تهران، انتشارات نسل نو اندیش
- ۵) دوستار، محمد و همکاران (۱۳۹۳) مولفه‌ها و کارکرد های هوش سیاسی، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۹
- ۶) رابرت کیوساکی (۱۳۹۷) هوش مالی اقتصادی، ترجمه سحر هدایتی، تهران، انتشارات تیموری
- ۷) رمضانیان، رسول (۱۳۹۶) هوش اجتماعی، تهران، دنیای اقتصاد
- ۸) شجاعی یگانه، علیرضا (۱۳۹۴) اندیشه های ثروت آفرین، تهران، نشر نوآوران
- ۹) فقیهی پور، محسن (۱۳۹۵) دستنامه هوش سیاسی، تهران، دارالفنون
- ۱۰) قاسمی نسب، روح الله و همکاران (۱۳۹۲) هوش سیاسی اولین کنفرانس ملی مدیریت
- ۱۱) قدیمی، رضا (۱۳۹۹) روابط ساختاری هوش اجتماعی و خود متمایزی، فصلنامه کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، جلد پنجم، شماره ۲
- ۱۲) کاتم، مارتا و همکاران (۱۳۹۳) مقدمه ای بر روانشناسی سیاسی، ترجمه سید کمال خرازی، تهران مرکز نشر دانشگاهی
- ۱۳) کشکویی، داریوش و همکاران (۱۳۹۸) بررسی مقایسه ای تاثیر هوش اقتصادی در تیب های دون گرا و برون گرا، دومین کنفرانس مهندسی اقتصاد و ...

- ۱۴) کریمی، علی و همکاران (۱۳۹۵) درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی رفتار رای دهندگی، تهران، نگاه معاصر
- ۱۵) گلشاهی، محمد مهدی و همکاران (۱۳۹۹) تحلیل مولفه‌های هوش سیاسی بر منازعات سیاسی، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۳۲
- ۱۶) متقی، پیمان (۱۳۹۰) هوش سیاسی، تهران، انتشارات سمت
- ۱۷) مجدی نسب، محمد اسلام (۱۳۹۳) مشارکت سیاسی چگونگی و چرایی، تهران، نشر جامعه‌شناسان
- ۱۸) مجلل چوپقلو، محمد علی (۱۳۹۲)، رابطه هوش اخلاقی و مشارکت سیاسی مطالعه موردی دانشگاه اصفهان، مجله دانش سیاسی بین الملل، دوره ۹، شماره ۳۶
- ۱۹) مسعودنیا، حسین و همکاران (۱۳۹۲) بررسی عوامل اجتماعی - روان‌شناختی مؤثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه مورد مطالعه: دانشگاه اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۳، شماره ۵
- ۲۰) ممبینی، یعقوب (۱۳۹۳) کارکردهای هوش سیاسی، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱۹
- ۲۱) میلبراث، لستر و همکاران (۱۳۹۲) مشارکت سیاسی، ترجمه رحیم ابولحسنی، تهران، نشر قلم
- ۲۲) نیک خواه، هدایت الله (۱۳۹۵) بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر مشارکت سیاسی شهروندان بندرعباس، فصلنامه مطالعات توسعه فرهنگی اجتماعی، دوره ۶، شماره ۱
- ۲۳) نیازی، محسن (۱۳۹۴) مشارکت سیاسی از نظریه تا عمل، تهران، نقد فرهنگ
- ۲۴) هانتینگتون، ساموئل (۱۳۹۰) درک توسعه سیاسی، ترجمه و نشر پژوهشکده مطالعات راهبردی، مجمع تشخیص مصلحت نظام

- ۱) Allen & Higgins (2017) "Interactive Study of the Relationship between Intelligence Types including Intellectual Intelligence, Social Intelligence, Cultural Intelligence, Strategic Intelligence with Political Socialization, and the Willingness to Participate with Political Parties among Students in Spain" *Political Psychology Quarterly*, Royal University of Barcelona, Vol. 87, No. 14.
- ۲) Boyatzis, R; Gaskin, J; Wei, H. (2015). Emotional and social intelligence and behavior. *Handbook of intelligence*. New York: Springer.
- ۳) Booker and Potsma (2016) "Theoretical Foundations of Cultural Components and Political Participation", *Journal of Political Sociology*, University of ryland, Volume 31, Number 7-8
- ۴) Gregory, et al (2016-2018) "The Role of Cultural Intelligence in Increasing Political Maturity and Tendency to Political Participation in Bulgaria" *Journal of Fetal Studies and Political Action*, Bulgarian National Royal University, Volume 47, Number 11
- ۵) Katem, Martha (2001) "Functions of Political Intelligence from the Perspective of Political Psychology, *Journal of Applied Research in Political Psychology*, Volume 23, Number 4-5
- ۶) Imay & Golfand (2016) "The Impact of Cultural Intelligence on Different Dimensions of Participation (Social Participation, Cultural Participation, Political Participation, and

Civic Participation)" International Politics Quarterly, George Washington University, Volume 44, Number 2-3

- ۷) Ligli, J., et al. (2014) "Prioritizing Social and Cultural Components Affecting Political Participation in Romania" Eastern European Political Studies Quarterly, Volume 23, Number 4
- ۸) McClark, F, et al. (2015) "Roots of Political Participation among Florida's Colored Students" Jacksonville University Political Science Quarterly, Volume 45, Number 9